

## "گوهر یکتا و منبع لطف و کرم بی منتها"

### قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- لوح مبارک حضرت بهاءالله
- ۳- کلمات مبارکه مکنونه
- ۴- قسمت هایی از الواح وصایا
- ۵- مکتوب حضرت عبدالبهاء

### قسمت اداری

- ۶- آن چه ولی امر را مسرور می کند
- ۷- حضرت ولی امرالله ماورای حدودات بشریه اند
- ۸- شوق بی کران حضرت ولی امرالله
- ۹- منبع لطف و کرم
- ۱۰- حکایت
- ۱۱- او ایادیان امر الهی را منصوب فرمود
- ۱۲- شور و پیشنهاد ( چگونه می توانیم اوصاف و شیم حضرت ولی عزیز امرالله را در زندگی خود متجلی سازیم؟ )

### قسمت اجتماعی

- ۱۳- برنامه نوگلان بوستان الهی
- ۱۴- الفت و پذیرایی
- ۱۵- مناجات خاتمه ( به انتخاب تلاوت کننده )

هوالبهی

ای پروردگار بیچارگانیم به درگاه تو پناه آورده ایم پریشان روزگاریم در بارگاه تو سر و سامان جوییم  
افتادگانیم الطاف تو را نگرانیم ما را بر عهد و میثاق خویش ثابت و مستقیم فرما و از سهام شبهات محفوظ دار و  
در ظل صون و حمایت خویش جای ده و از امتحان و افتتان ما را مصون دار تویی مقتدر و توانا .

ع ع

مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء ص ۱۲۰

۵- مکتوب حضرت عبدالبهاء

نمونه ای از مکاتیب محبت آمیز حضرت عبدالبهاء به نوه ارجمند خویش چنین است :

شوقی افندی علیه بهاء الله الابهی

یا صغیر السن و منیر الوجه از قرار معلوم نقاہتی از برای شما حاصل لهذا مجبور به راحت شده ای ضرر ندارد  
گاهگاهی راحت لازم است والا مانند عبدالبهاء از شدت تحمل مشقات بنیه به کلی ضعیف و ناتوان شود و از کار  
بازمانی حال چند روز راحت کنی ضرر ندارد . امیدوارم که در حفظ و حمایت جمال مبارک باشی.

ع ع

پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۶۳

به نام گوینده توانا

ای دوستان من

یاد آورید آن عهدی را که در جبل فاران که در بقعه مبارکهٔ زمان واقع شده با من نموده اید و ملاء اعلی و اصحاب مدین بقا را بر آن عهدگواه گرفتم و حال احدی را بر آن عهد قائم نمی بینم البته غرور و نا فرمانی آن را از قلوب محو نموده به قسمی که اثری از آن باقی نمانده و من دانسته صبر نمودم و اظهار نداشتم .

در بیان معنای آن حضرت عبدالبهاء در لوحی می فرمایند :

" این عهد و میثاق است که جمال مبارک در ارض مقدس به قلم اعلی در ظل شجره انیسا گرفته اند و بعد از صعود اعلان شد . "

ای پسر هوی

تا کی در هوای نفسانی طیران نمایی پر عنایت فرمودم تا در هوای قدس معانی پرواز کنی نه در فضای وهم شیطانی شانه مرحمت فرمودم تا گیسوی مشکینم شانه نمایی نه گلویم بخراشی .

حضرت عبدالبهاء در معنی پر وشانه در لوحی چنین می فرمایند : " و اما پر و شانه که در کلمه مبارکه مکنونه مذکور، آن میثاق الهی است این عهد و میثاق از برای آن گرفته شده که وفا به عبدالبهاء نمایند نه این که گوی مبارک یعنی امر مبارک را بخراشند ولی به کلی چشم از انصاف بسته به نهایت جفا و اعتساف پرداختند . "

مجموعه کلمات مکنونه صص ۱۰ و ۱۹

۴- قسمت هایی از الواح وصایا

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ای یاران مهربان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدره مبارکه و ایادی امرالله و احبای جمال ابهی توجه به فرع دو سدره که از دو شجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران دو فرع دوحه رحمانیه به وجود آمده، یعنی شوقی افندی نمایند زیرا آیه الله و عُصْن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احباء الله است و مُبَيِّن آیات الله ... حِصْن متین امرالله به اطاعت مَنْ هُوَ ولی امرالله محفوظ و مصون ماند ... اگر چنان چه نفسی مخالفت نمود مخالفت به حق کرده و سبب تشتیت امرالله شود و علت تفریق کلمه الله گردد و مظهري از مظاهر مرکز نقض شود ... " ۱

و نیز می فرمایند :

"... ای یاران با وفای عبدالبهاء باید فرع دو شجره مبارکه و ثمره دو سدره رحمانیه شوقی افندی را نهایت مواظبت نمایند که غبار کدر و حزنی بر خاطر نورانیش ننشیند و روز به روز فرح و سرور و روحانیتش زیاده گردد تا شجره بارور شود زیرا اوست ولی امرالله بعد از عبدالبهاء و جمیع افنان و ایادی و احبای الهی باید اطاعت او نمایند و توجه به او کنند ... " ۲

\* ۱ و ۲ صص ۱۶۳-۱۶۲ پیام آسمانی ج ۱

۶- آن چه ولی امر را مسرور می کند

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" قلب من حساس است همان نحوی که کدورت بعضی را از یکدیگر احساس می کنم و صدمه می خورم همان طور صفات و خصائل ممدوحه احباء را نیز تقدیر می نمایم بل به حدی عزیز می شمرم که در صورت ننگجد . بعد از مصیبت کبری یگانه تسلی قلب من همانا استقامت و وفا و محبت احبا به جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء ء بوده. قدر و منزلت این صفات حسنه به جای خود محفوظ و نهایت امتنان و تشکر را از کافه احباءالله و اماء الرحمن در این موضوع دارم ولی این شور و عشق و محبت به تنهایی سفینه امر را به ساحل مقصود نرساند و مدعای اهل بهاء را بر اهل عالم ثابت نکند . احبا باید برای حفظ و صیانت و ازدیاد عزت دین الله به وسائط فعاله تشبث نمایند و آن اینست که از شدت محبت پرستش یکدیگر کنند و کدورت از همدگر را به قلب خود راه ندهند . اگر فی المثل بیگانگان از یاران سوال کنند که امتیاز شما از سایرین چیست ؟ اگر در جواب گویند که در سبیل عشق و محبت به مرکز امر جان و مال ، فدا و ایثار نمائیم عالم متمدن با این جواب اکتفا ننماید و خواهند گفت که محبت و فداکاری شما از برای شخص واحد امراض مزمنه عالم اجتماعی را امروزه درمان ننماید و علاج نکند . اگر گویند که دین و آئین ما دارای تعالیم و مبادی است که دانایان روزگار انکار آن نتوانند ، جواب شنوند که مبادی و تعالیم عالیه وقتی سرایت در خلق امکان نماید و امراض قتاله هیئت اجتماعیه هنگامی شفا یابد که مدعیان و پیروان آن خود اول به آن عامل شوند و قدر و قیمت و فوائد آن را در حیات و معاملات یومیه خود به کار برند و مجسم نمایند . اگر چنین نباشد و چنین نشود ما به الامتیازی نماند و فرمودند که انظار اهل عالم امروزه در نهایت دقت مراقب و متوجه به یاران است . "

دستخطهای حضرت ورقه علیا صص ۱۳۶ - ۱۳۴

## ۸- شوق بی کران حضرت ولی امرالله

یکی دیگر از خصوصیات حضرت شوقی ربانی شوق وی در انجام امور بود. در همان نخستین دیدار حضرتش از وجود این شعله سوزان در روح و روانش آگاه گشتم زیرا این شعله سوزنده در تاکیداتی که در بیاناتش وجود داشت، در نگاه نافذ و جویای چشمان خردمند و با فراستش، در سرعت عمل و در تبسم های قدردانی از نفوسی که امور محوله را به سرعت انجام داده بودند، نمودار بود. جمله " وقت تنگ است " به گرات هم در صحبت های شفاهی از فَم مبارک شنیده میشد و هم در پیام های جاویدانش خوانده میشد و پرده از این حقیقت بر می داشت که نیاز عالم بشری فوریت داشته و نیز هیکل مبارک علاقمند بودند که نقشه الهی در کره ارض در طول عمر یک انسان تحقق یابد. به یک یک احباء بدون استثناء " وقت تنگ است " را متذکر می شدند و همه را ترغیب می فرمودند تا همانند هیکل مبارک در انجام امور شوق و اشتیاق نشان دهند.

پیام بهایی شماره ۲۵۲ ص ۲۵

## ۷- حضرت ولی امرالله ماورای حدودات بشریه اند

حضرت روحیه خانم درباره حضرت ولی امرالله در کتاب گوهر یکتا چنین می نویسند:

در تمام عالم وجود قوه ای نیست که بتواند ایشان را به اندازه سر مویی از صراط مستقیم حضرت رحمن منحرف سازد رفاقت و آشنایی و خویشاوندی ابدأ در تصمیم ایشان تاثیر ندارد و ثروت های فانیه و جلال و جبروت امور مادیه هرگز بدان ساحت مقدس راه ندارد و چون هنگام اجرای تصمیمی می رسد ابدأ ملاحظه آن ندارند که طرف مسرور می گردد یا رنجور زیرا وجود مقدس بالکل ماورای حدودات بشریه اند.

گوهر یکتا ص ۱۲۶

لوئیز بوش در بیت مبارک در اطاق چای تنها بود . خانم ها نا پدید شده بودند . تدارکات برای ورود حضرت شوقی افندی که انتظار می رفت آن روز از دانشگاه آکسفورد به منزل باز گردند آماده شده بود بعد از آن چه را که باید صدای قدم های ایشان باشد که به طرف در جلو می آمدند شنیدم ایشان وارد شدند فریادی از حزن ، از درد، نمی دانم چگونه توصیفش کنم بر آوردند آه بلندی بود و سپس در اطاق ماندند اگر چه حضرت شوقی افندی را ندیدم اما قطعاً می دانستم که ایشان هستند بنابراین در اطاق چای ساکت و آرام ماندم . سپس صدای قدم های دیگری را شنیدم که باز هم از ایشان بود بعد دری بسته شد ... آن ها در ابتدا الواح وصایا را به ایشان نشان ندادند حال هیکل مبارک خوب بود. برای صرف نهار به مسافرخانه تشریف آوردند اما از روز سوم به بعد ایشان را ندیدم بعد روز پنجم پس از غروب آفتاب رفتم و آن چه را که دیدم هرگز فراموش نخواهم کرد ایشان از اطاقی بیرون می آمدند و از در اطاق حضرت ورقه علیا رد می شدند . همانند مردی که نسیب بودند خمیده و به زحمت قادر به تکلم اما با من دست دادند و لحظه ای به من نگاه کردند . همانند شخصی که اینک نمی تواند بشنود یا مایل نیست کسی را ببیند سخن گفتند تماماً تغییر کرده و پیر شده بودند و خمیده خمیده راه می رفتند چراغی کوچک یا شمعی در دست داشتند و تصور می کنم به من فرمودند بسیار خوب ...

لوئیز قبل از ترک حیفا مایل بود به احترام زمان و مکان لباسی را که بانوان شرقی در خیابان می پوشد داشته باشد . رضوانیه خانم به او کمک کرد تا آن را بدوزد و به آن نحو لباس بپوشد ... یکی از خاله های حضرت ولی امرالله به او گفت باید بروی حضرت ولی امرالله را ببینی سپس در اطاق مجاور را باز کرد و از لای در اعلام کرد بانویی تُرک مایل است شما را ملاقات کند لوئیز مانند کودکی که لباس عجیب و غریبی پوشیده داخل شد شاید چهار یا پنج قدم مانده به تخت خوابشان ایستادم هیکل مبارک از روی تخت بلند شدند و وقتی نتوانستم جلوی خنده خودم را بگیرم فرمودند اوه این خانم بوش است و به کفش های من اشاره فرمودند سپس اندکی خندیدند و من و خاله ایشان هم خندیدیم خاله شان گفتند که این اولین دفعه ای است که حضرت ولی امرالله از زمان مراجعتشان لبخند زده اند . زمانی که لوئیز و جان از حضور مبارک مرخص می شدند آخرین کلماتی که حضرت ولی امرالله به لوئیز فرمودند این بود که به احباء بگو زمان ثابت خواهد کرد که هیچ اشتباهی در کار نبوده است .

## ۲- لوح مبارک حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله می فرماید قوله تعالی

" ای عباد وصایای روح را با قلم تسلیم و مداد اذعان و ایقان بر لوح صدر خود مرقوم دارید و در هر آن توجه به آن نموده که مبدا از حرفی از آن تغافل نمایید و به جد تمام اقبال به حق جسته و از دون آن اعراض نموده که اینست اصل ورقه امریه مُنبته از شجره الهیه . ای عباد نیست در این قلب مگر تجلیات انوار صبح بقا و تکلم نمی نماید مگر بر حق خالص از پروردگار شما. پس متابعت نفس ننمایید و عهدالله را مشکنید و نقض میثاق مکنید به استقامت تمام به دل و قلب و زبان به او توجه نمایید و نباشید از بی خردان . "

مجموعه الواح مبارکه ( چاپ مصر ) ص ۳۲۸

## ۹- منبع لطف و کرم

حضرت روحیه خانم درباره حضرت ولی امرالله در کتاب گوهر یکتا چنین می نویسند:

روابط وجود مبارک با زائرین بی نهایت دقیق و لطیف بود آداب الهی ، میهمان نوازی ، مهربانی که از آن حضرت حتی در جزئی ترین امور ظاهر می گردید و مطالبی که با نهایت روشنی و صراحت برایشان طرح و با آنان مشورت می نمودند اثر بسیار عمیقی در قلوب همه می نمود و این اثر حتی در اموری که بهاییان اطراف جهان انجام می دادند نمودار می گردید زیرا این نفوس سعادت‌مند چون به بلاد خود بر می گشتند خمیر مایه جامعه امریه می شدند و یاران را تشویق بر جدیت بیشتر می نمودند جمیع را به مرکز امر و هیکل اطهر نزدیک تر می نمودند بدین ترتیب نفوسی که در حرمان طلعت بی مثالش می سوختند با استماع پیامی و یا کلامی از آن منبع لطف و کرم به قرب روحانی فائز می گردیدند.

گوهر یکتا ص ۱۹۸-۱۹۷



۱۱- او ایادیان امر الهی را منصوب فرمود

در ۱۳ آوریل ۱۹۶۳ ، دقیقاً پس از اولین انتخابات ، معهد اعلی خلاصه ای از مجهودات آن حضرت ( حضرت ولی امرالله ) را به ۶۰۰۰ نفر از احبایی که در اولین کنگره ی جهانی بهایی در لندن گرد هم آمده بودند ارائه فرمودند . مجهودات شگفت آوری که تا ابد سبب بُهت و حیرت همگان خواهد بود . بیت العدل اعظم می فرمایند : " این جشن اعظم ، شکرانه ی انتصارات یک عمر مساعی شوقی افندی ، ولی امر الهی است . او کسی است که به تنهایی قوای مکنونه ی جامعه ای کم تعداد ، پراکنده و نا منظم را که به حق در دوران حماسه سازی خود به سر می برد آشکار ساخت . او کسی است که نقشه ی پر شکوه امر مقدس خداوند را ظاهر ساخت طرح گران قدر حضرت عبدالبهاء در تبلیغ امر الهی را به جریان انداخت ، عمارات و موسسات را در مرکز جهانی بنیان نهاد ، معابد امریکا ، افریقا ، استرالیا و اروپا را بنا فرمود ، نظم اداری جامعه ی بهایی را در جهان توسعه بخشید و کشتی امر مبارک را بر مسیر و به سمت هدف به پیش راند ... "

این پیام با این جمله ی شگفت انگیز به پایان می رسد " او ایادیان امر الهی را منصوب فرمود . "

ایادیان فراموش ناشدنی امر ص ۱۱

راهنمای ناظمین محترم

با تقدیم تحیات و با آرزوی موفقیت روزافزون در خدمات

با توجه به تقارن این ایام با صعود حضرت ولی محبوب امرالله برنامه پیشنهادی به بررسی برخی از ویژگیها و خصوصیات هیکل مبارک پرداخته است امید آنکه با بهره مندی از کتب موجود در مورد حیات ایشان و نیز استفاده از حاضرین ، فضای مناسبی حاصل شده و علی الخصوص جوانان و نوجوانان به مطالعه و تحقیق در مورد حیات مبارک و استفاده از آن در زندگی خود ترغیب گردند.

موفق باشید